گنج حکمت: دیوار عمل

این حکایت از کتاب «سیاست‌نامه» نوشتهٔ «خواجه نظام‌المُلک توسی» است.

سؤال: «سیاست‌نامه» اثر کیست؟ *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

پاسخ: خواجه نظام‌الملک توسی

عاملِ شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن.

عامل: حاکم، والی
نبشت: نوشت
عمارت: بنا کردن، آبادکردن، آبادانی

معنی حاکم شهری برای خلیفه نامه نوشت که دیوار شهر خراب شده است و باید آن را تعمیر کرد.

سؤال: در عبارت زیر شکل درست املایی واژه را مشخّص کنید. *(نهایی خرداد ۱۴۰۲)*

«دیوار شهر خراب شده است، آن را (عمارت/ امارت) بایدکردن.»

پاسخ: «عمارت» صحیح است. (عمارت: بناکردن، آبادکردن، آبادانی / امارت: فرمانروایی)

جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک کن که حاجت نیست به گِل و خشت و سنگ و گچ.

حاجت: نیاز
خوف: ترس، وحشت
خشت: آجر خام

معنی [خلیفه] در پاسخ نوشت که دیواری از عدالت بر گِرد شهر ایجاد کن و راه‌ها را از ستم و ترس و وحشت خالی کن؛ آن وقت، دیگر نیازی به گِل و آجر خام و سنگ و گچ نیست. **مفهوم** توصیه به عدل / دادگری مایهٔ حفظ امنیت و حکومت است. **آرایه** «شهر را از عدل، دیوار کن.»: تشبیه («عدل»: مشبّه؛ «دیوار»: مشبّه‌به)

سؤال: با توجّه به متن زیر، توصیهٔ خلیفه به حاکم شهر چیست؟ *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک کن که حاجت نیست به گِل و خشت و سنگ و گچ.

پاسخ: عدالت و دادگری را گسترش بده، زیرا مایهٔ حفظ امنیت و حکومت است.

Scanned with CamScanner

درس ۵ : بیداد ظالمان

این شعر سرودهٔ «سیف‌الدّین محمّد فَرغانی» و در قالب «قصیده» است. وی در سدهٔ هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آباد ایران، در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، این شعر را سرود. سیف در این سروده، از رفتار ظالمانهٔ فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول، با بیان کوبنده‌ای انتقاد می‌کند.

ماجرای این درس ...

وقتی حکومت ظالمی قدرت رو در دست داشته باشه و مردم از بی‌عدالتی رنج ببرن، هرکسی با روش خودش این نارضایتی رو نشون می‌ده. شاعران هم با شعرشون نشون می‌دن که در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنن و چه مسائلی آزارشون می‌ده. در این شعر «سیف فَرغانی» به عنوان یک شاعر اجتماعی، قدرتمندانِ عصر خودش رو مورد انتقاد قرار داده و بهشون یادآوری کرده که قدرت، همیشگی نیست و مرگ به سراغ اون‌ها هم خواهد اومد.

هم مرگ، بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

رونق: رواج، شکوه

معنی سرانجام، مرگ به سراغ شما نیز می‌آید و شکوه روزگار شما هم تمام خواهد شد. **مفهوم** ناپایداری قدرت و قطعی‌بودن مرگ همه **آرایه** گذشتن مرگ: تشخیص/ جهان: مجاز از عمر و زندگی/ گذر مرگ بر جهان کسی: کنایه از مردن او **دانش‌ادبی** جهان و زمان: کلمات قافیه/ شما نیز بگذرد: ردیف

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد

بوم: جغد
محنت: اندوه، غم، رنج و بلا
از پی: برای
دولت‌آشیان: دولت‌سرا، آشیانهٔ خوشبختی

معنی سختی و بلا، مانند جغد شومی است که به ما بسنده نمی‌کند و شما را نیز خانه‌خراب خواهد کرد. **مفهوم** ناپایداری اقبال و نیک‌بختی **آرایه** بوم محنت: اضافهٔ تشبیهی (محنت: مشبّه؛ بوم: مشبّه‌به)/بوم: نماد نحسی و شومی/ محنت و دولت: تضاد/ بوم و آشیان: تناسب/ گذشتن بوم محنت بر آشیان کسی: کنایه از نابودکردن آشیانهٔ او **دستور** دولت‌آشیان: ترکیب اضافی مقلوب؛ این ترکیب در اصل «آشیانِ دولت» بوده که به مناسبت قافیهٔ شعر به این شکل آمده است.

سؤال: معنای واژهٔ مشخّص‌شده را بنویسید. *(نهایی خرداد ۱۴۰۲)*

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد

پاسخ: بوم: جغد

سؤال: بیت زیر را به نثر روان معنی کنید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد

پاسخ: سختی و بلا مانند جغد شومی است که به ما بسنده نمی‌کند و شما را نیز خانه‌خراب خواهد کرد.

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

اجل: مرگ، زمان مرگ
گلوگیر: خفه‌کننده

معنی مرگ که همه را از خاصّ و عام از بین می‌برد، شما را نیز نابود خواهد کرد. **مفهوم** قطعی‌بودن مرگ همه **آرایه** آب اجل: اضافهٔ تشبیهی (اجل: مشبّه؛ آب: مشبّه‌به)/ گلوگیر: کنایه از خفه‌کننده/ خاصّ و عام: تضاد و مجاز از همهٔ مردم/ گلو، حلق و دهان: مراعات‌نظیر/ اشاره دارد به آیهٔ ﴿کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ المَوتِ﴾ (هرکسی طعم مرگ را می‌چشد): تلمیح/ گذشتن آب اجل بر حلق و دهان کسی: کنایه از مُردن او

دستور آب (نهاد، مضاف‌الیه) اجل (مضاف‌الیه) که گلوگیر (مسند) خاص و عام (مضاف‌الیه) است بر (متمم) حلق و بر (متمم) دهان شما (مضاف‌الیه) نیز (قید) بگذرد

سؤال: در کدام بیت تلمیح به آیهٔ ﴿کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ المَوتِ﴾ دیده می‌شود؟ *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

۱) هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد
۲) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

پاسخ: گزینهٔ «۲»

سؤال: در بیت زیر املای صحیح را انتخاب کنید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

آب (عجل/ اجل) که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

پاسخ: «اجل» صحیح است.

چون دادِ عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

داد: عدل، عدالت
بقا کردن: ماندن
بیداد: ظلم، ستم

معنی وقتی عدالتِ عادلان در جهان باقی نمانده است، پس ظلم شما ستمگران نیز خواهد گذشت. **مفهوم** همان‌طور که عدل نماند، ظلم نیز پایدار نیست. **آرایه** «داد و بیداد»، «عادل و ظالم»: تضاد/ تکرار مصوّت «ا» و صامت «د»: واج‌آرایی **دستور** «به» و «در» دو حرف اضافه برای یک متمّم[1] (جهان)

۱. هرگاه دو حرف اضافه برای یک متمّم بیاید، در معنی، آمدن یکی از آنها کافی است؛ مثلاً: «به جهان در» ← در جهان (این موضوع را در درس دوازدهم بیشتر بررسی می‌کنیم.)

Scanned with CamScanner

نکته: این بیت یادآور بیت زیر از خاقانی است:

ما بارگهِ دادیـم این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خِذلان؟

بارگه: مخفّف بارگاه، دربار، قصر/ خِذلان: خواری، پستی، مذلّت

معنی [کاخ ویران‌شدهٔ انوشیروان عادل می‌گوید:] ما که دربار عدل و داد بودیم، این‌گونه مورد ستم واقع شدیم. تصور کن، چه خواری و بلایی نصیب ستمکاران می‌شود؟ **مفهوم** عاقبت شوم ظالمان **آرایه** داد و ستم: تضاد/ بارگه و قصر: تناسب **دستور** صورت مرتب‌شدهٔ بیت: ما بارگاه دادیم، این ستم بر ما رفت. گویی چه خذلان بر قصر ستمکاران رسد؟

سؤال: در بیت زیر کدام واژه «متمّم» است و دو حرف اضافه گرفته است؟ *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد بـیـداد ظـالـمـان شـمـا نـیـز بـگـذرد

پاسخ: «جهان» با دو حرف اضافه آمده است. (به جهان در)

درمملکت چوغرّش شیران گذشت ورفت ایـن عوعوِ سگان شما نیز بگذرد

غرّش: فریاد
عوعو: بانگ سگ

معنی وقتی که فریاد شیرمانندِ انسان‌های بزرگ و لایق باقی نمانده، این صدای سگ‌مانندِ فرومایگان شما نیز خواهد گذشت. **مفهوم** به پایان رسیدن حکومت حاکمان ظالم و فرومایه **آرایه** شیران: استعاره از انسان‌های لایق و قدرتمند/ سگان: استعاره از انسان‌های فرومایه و پست/ تکرار صامت «ش» در مصراع اوّل: واج‌آرایی/ «شیران و سگان» و «غرّش و عوعو»: تضاد

سؤال: درست یا نادرست بودن آرایهٔ مقابل بیت زیر را مشخّص کنید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

در مملکت چو غرّش شیران گذشت و رفت ایـن عـوعـو سـگـان شما نیز بگذرد (تشبیه)

پاسخ: نادرست است. در بیت استعاره وجود دارد؛ اما تشبیه نداریم (چو: وقتی که).

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکُشت هم بر چـراغـدان شما نیز بگذرد

کشتن: خاموش‌کردن

معنی مرگ که مانند بادی شمعِ وجود انسان‌های بسیاری را خاموش کرده، چراغ وجود شما را نیز خاموش خواهد کرد [و شما نیز نابود خواهید شد]. **مفهوم** قطعی‌بودن مرگ همه حتّی حاکمان **آرایه** باد: استعاره از مرگ و نیستی/ شمع: استعاره از عمر انسان/ چراغدان: استعاره از وجود و کالبد/ تکرار صامت «ب»: واج‌آرایی/ باد و شمع: تضاد/ شمع و چراغدان: تناسب/ گذشتن (وزیدن) باد بر چراغدان: کنایه از خاموش‌کردن چراغ

دستور بادی (نهاد) که در زمانه (متمم) بسی شمع‌ها (مفعول) [را] بکشت، هم بر چراغدان (متمم) شما (مضاف‌الیه قید) نیز بگذرد.

سؤال: نقش واژه‌های مشخّص‌شده را بنویسید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

بـادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هـم بـر چـراغـدان شما نیز بگذرد

پاسخ: «باد»: نهاد/ «چراغدان»: متمم

زین کاروان‌سرای، بسی کاروان گذشت ناچـار، کـاروان شما نیز بگذرد

معنی دنیا مانند کاروان‌سرایی است که مردم زیادی از آن گذشته‌اند، شما نیز به ناچار از این دنیا عبور خواهید کرد.

مفهوم قطعی‌بودن مرگ همه **آرایه** کاروان‌سرا: استعاره از دنیا/ کاروان: استعاره از زندگی و عمر/ تکرار مصوّت «ا» و صامت «ر»: واج‌آرایی/ کاروان‌سرا و کاروان: تناسب/ کاروان: تکرار

سؤال: آرایهٔ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. *(نهایی خرداد ۱۴۰۲)*

زین کـاروان‌سـرای بسی کـاروان گذشت نـاچـار کـاروان شـمـا نـیـز بـگـذرد (تضمین/ استعاره)

پاسخ: استعاره (کاروان‌سرا: استعاره از دنیا/ کاروان: استعاره از زندگی و عمر)

سؤال: منظور از واژهٔ مشخّص‌شده چیست؟ *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

زین کـاروان‌سـرای بسی کـاروان گذشت نـاچـار کـاروان شـمـا نـیـز بـگـذرد

پاسخ: دنیا

ای مُفتَخَر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اخـتـران شما نیز بگذرد

مُفتَخَر: نازنده، سربلند، صاحب افتخار
طالع: سرنوشت، بخت
مسعود: خجسته، فرخنده

معنی ای کسانی که به خوشبختی خودتان افتخار می‌کنید، این خوش‌اقبالی شما نیز تمام خواهد شد. **مفهوم** گذرابودن دولت و اقبال **آرایه** طالع، مسعود و اختر: مراعات‌نظیر/ تکرار صامت «ت»: واج‌آرایی/ اشاره به این باور قدیمی که ستارگان در سرنوشت انسان‌ها مؤثرند: تلمیح/ اشاره به حدیث امام علی(ع): «الدَّهرُ یومانِ، یومٌ لَكَ و یومٌ عَلَیكَ» (دنیا دو روز است، روزی با تو و روزی بر تو): تلمیح

Scanned with CamScanner

دستور منادا، فعل ندا و فعل «هستی» همگی به قرینهٔ معنایی از مصراع اوّل حذف شده‌اند: ای [کسی که] مفتخر به طالع مسعود خویشتن [هستی! با تو هستم (یا تو را صدا می‌کنم)].طالع (هسته) مسعود (صفت) خویشتن (مضاف‌الیه) / تأثیر (هسته) اختران (مضاف‌الیه)

سؤال: املای نادرست را بیابید و تصحیح کنید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

ای مفتخر به تالع مسعود خویشتن تـأثـیـر اخـتـران شـمـا نـیـز بـگـذرد

پاسخ: «طالع» صحیح است.

سؤال: بیت زیر را به نثر روان معنی کنید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تـأثـیـر اخـتـران شـمـا نـیـز بـگـذرد

پاسخ: ای کسانی که به خوشبختی خودتان افتخار می‌کنید، این خوش‌اقبالی شما نیز تمام خواهد شد.

سؤال: مفهوم کدام بیت به حدیث «الدَّهرُ یومانِ یومٌ لَکَ و یومٌ عَلیکَ» نزدیک‌تر است؟ *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

۱) هـم مـرگ بـر جهان شما نیز بگذرد هـم رونـق زمـان شـمـا نـیـز بـگـذرد

۲) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تـأثـیـر اخـتـران شـمـا نـیـز بـگـذرد

پاسخ: گزینهٔ «۲»؛ ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد

بر تیرِ جورتان ز تحمّل سپر کنیم تـا سختی کمان شما نیز بگذرد

جور: ستم، ظلم

معنی ظلم شما مانند تیر است و ما صبر را سپر آن می‌کنیم تا این قدرت شما نیز به پایان برسد. **مفهوم** ایستادگی در برابر ظلم و ستم **آرایه** تیر جور: اضافهٔ تشبیهی (جور: مشبّه؛ تیر: مشبّه‌به) / «ز تحمّل سپر کنیم»: تشبیه (تحمّل: مشبّه؛ سپر: مشبّه‌به) / چیزی را سپر خود کردن: کنایه از دفاع‌کردن از خود به وسیلهٔ آن چیز / سختی کمان: کنایه از قدرتمندی یا بی‌رحمی / تیر، سپر و کمان: مراعات‌نظیر / تکرار صامت‌های «ر» و «ت»: واج‌آرایی **دستور** «کنیم» به معنی «بسازیم» آمده است. («کردن» در معنی ساختن در گذشته کاربرد بسیاری داشته؛ فردوسی می‌گوید: «یکی خانه کرد اندر البرز کوه» یعنی خانه‌ای در کوه البرز ساخت.)

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع ایـن گرگی شبان شما نیز بگذرد

رمه: گله
طبع: سرشت، خوی
شبان: چوپان

معنی ای پادشاهی که مردم را به حاکمان گرگ‌صفت سپرده‌ای، این درندگی و ظلم و ستم حاکمان شما نیز پایان خواهد یافت. **مفهوم** ناپایداری ظلم و ستم **آرایه** رمه: استعاره از مردم / چوپانِ گرگ‌طبع: استعاره از حاکم ظالم / گرگی شبان: کنایه از ظلم و ستم حاکمان / چوپان گرگ‌طبع: تشبیه (چوپان: مشبّه؛ گرگ: مشبّه‌به) / رمه، چوپان، گرگ، شبان: مراعات‌نظیر / رمه و گرگ: تضاد

سؤال: در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه»، «چوپان گرگ‌طبع» و «گرگی شبان» چیست؟ *(نهایی خرداد ۱۴۰۲)*

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع ایـن گـرگـی شـبـان شما نیز بگذرد

پاسخ: «رمه»: مردم؛ «چوپان گرگ‌طبع»: حاکم ظالم؛ «گرگی شبان»: ظلم و ستم حاکمان

سؤال: بیت زیر را به نثر روان معنی کنید. *(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)*

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع ایـن گـرگـی شـبـان شما نیز بگذرد

پاسخ: ای پادشاهی که مردم را به حاکمان گرگ‌صفت سپرده‌ای، این درندگی و ظلم و ستم حاکمان شما نیز پایان خواهد یافت.

Scanned with CamScanner

تلمیح‌های پرکاربرد	
واژگان کلیدی	داستان یا آیهٔ مورد اشاره
فرهاد، شیرین، خسرو، شکر	فرهاد و خسرو هر دو عاشق شیرین بودند. شِکر هم‌نام همسر خسرو است.
شاه ترکان، افراسیاب، سیاوش	داستان سیاوش و کشته‌شدن او به دست افراسیاب
آدم، گندم، بهشت (روضه)	رانده‌شدن حضرت آدم از بهشت به خاطر خوردن گندم
خلیل، آتش، گلستان، نمرود	گلستان‌شدن آتشِ نمرود بر ابراهیم علیه‌السلام
عیسی، مسیح، دم، نَفَس	دم روح‌بخش حضرت عیسی مسیح علیه‌السلام که مردگان را زنده می‌کرد.
یوسف، گرگ، مصر، چاه، زندان، پیراهن، زلیخا	داستان زندگی حضرت یوسف علیه‌السلام
ید بیضا، موسی، کلیم، عصا و اژدها	معجزه‌های حضرت موسی علیه‌السلام؛ ید بیضا: حضرت موسی علیه‌السلام دست خود را در گریبان می‌کرد و وقتی آن را بیرون می‌آورد، می‌درخشید.
منیژه، بیژن، چاه، افراسیاب (شاه ترکان)، رستم (تهمتن)	داستان بیژن و منیژه: بیژن پهلوان ایرانی، عاشق منیژه دختر افراسیاب می‌شود. افراسیاب بیژن را به چاه می‌اندازد و رستم او را نجات می‌دهد.
فرعون، موسی، هارون	داستان زندگی حضرت موسی علیه‌السلام
آسمان، زمین، بار امانت، انسان	آیهٔ ﴿إنّا عَرَضْنَا الامانةَ عَلَی السّمواتِ و ...﴾ ما امانت خود (عشق و معرفت) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه‌کردیم؛ پس، آنها از تحمل آن امتناع کردند و ترسیدند و انسان آن را حمل کرد، چون انسان ستم‌پیشه و جاهل بود.
قیصر، کِی[1]، فرعون، فریدون، جمشید و ...	داستان زندگی پادشاهان
کشتی، نوح، طوفان	طوفان نوح و کشتی ساختن او
کِشته، آخرت، مزرعه	حدیث: الدنیا مزرعةُ الآخِرة
شاهباز، سِدره‌نشین[2]	اصل انسان از عالم بالا است.
آب حیات، خضر، اسکندر	وجود آب حیات در ظلمات: خضر به آب حیات که عمر جاودان می‌بخشد دست یافت؛ ولی اسکندر به آن نرسید و ناکام ماند.
جمشید، جام جم	جام جم: جامی که همهٔ اتفاقات جهان در آن دیده می‌شد. این جام در اصل متعلق به کیخسرو است، ولی آن را به جمشید نسبت می‌دهند.

۱. «کی» عنوان هر یک از پاشادهان سلسلهٔ کیانی است.

۲. سِدره (سِدرةُ المنتهیٰ) نام درختی است در آسمان هفتم.

Scanned with CamScanner

تلمیح‌های پرکاربرد	
واژگان کلیدی	داستان یا آیهٔ مورد اشاره
هدهد، سبا، سلیمان، بلقیس، پیک	داستان سلیمان و بلقیس، ملکهٔ سبا که در این داستان هدهد نقش پیک را بر عهده داشت.
سلیمان، مور	سخن‌گفتن مور با سلیمان
انگشتر(نگین، خاتم)، سلیمان، اهریمن	انگشتر سلیمان که قدرت او در آن بود، گم می‌شود و به دست اهریمن می‌افتد؛ ولی دوباره به صاحبش بازمی‌گردد.
حلّاج، دار، منصور، اناالحق	داستان به دار کشیده‌شدن حلّاج، عارف قرن سوم، به علّت آن‌که گفت: اناالحق.
علم، مهد (گهواره)، گور	اُطلبوا العلمَ من المهدِ الی اللحدِ (ز گهواره تا گور دانش بجوی)
آتش، طور، ایمن، سینا	وحی‌شدن به موسی علیه‌السلام در کوه طور واقع در سرزمین سینا یا وادی اَیمَن
شهر علم، در، علی علیه‌السلام	اَنَا مدینةُ العلمِ و علیٌّ بابُها: من (پیامبر اکرم) شهر علم هستم و علی علیه‌السلام درِ آن.

Scanned with CamScanner